

Dari transcript:

ازدواج های از قبل تنظیم شده

شهرزاد: چند فیصد مردم شاید خودشان انتخاب کنند شوهر خوده؟ مثلاً د خانواده خودتان، خواهر ایت خودشان انتخاب کده بود؟  
الکر: نخیر نی. کلشان ارنجد مریج است، بیادرهایم هم همچنان. هر دو بیادرم هم، دو خواهرم هم. هر دویشان ارنجد مریج است.  
شهرزاد: یعنی ازدواج های قراردادی است؟  
الکر: قراردادی است. فامیلم، اونا خودشان خوش کردند، دوتایشه مادرم کد، دوتای دیگیشه پدرم کد ده دل خود. مه، بسیاری فامیل ها.. فکر نکنم بسیار فامیل کم پیدا می شه که ده دل خود انتخاب کنه. بسیار فامیل کم  
شهرزاد: دختر و بچه به دل خود انتخاب کنه؟  
الکر: انتخاب کنه.  
شهرزاد: دلیل ازی چیست؟

الکر: او هم میشه که د کابل باشه یا مزار باشه و شهرها. به خاطر ازی که دلیل بسیار کلانش است که دختر های که مکتب میرن و پوهنتون میرند، دیگه بچه را می بینن به یک دیگه خود آشنا میشن، دوست میشن، گپ می زنن، دیگه می کنن و پدرها و مادرهای خوده قانع می سازن که عروسی کنن. بعضی فامیل ها روشنفکر هستند، چرانمی، قبول می کنن. و بسیاری قشلاق های ما و شارهای دیگه ما که بعضی فامیل ها روشنفکر هم هستن در شهرها، نمیتانن همی کاره. به خاطریکه قوم های دیگه ره چی فکر می کنن. نظریه قوم های برادر کلان خود، پدر و پدرکلان خود چی فکر می کنن که بگوین که اینا بعد از او که عروسی شان بکنند. به خاطریکه اینی عروسی انتخاب از طرف پدر و مادرت، یا از طرف کاکا کلانت، یا کاکایت، یا پدر و پدرکلانت زیاد شده و شده و شده تا هنوز. خا به خاطر ازی مشکل است که جلو ازی را هم بگیری. بسیاری فامیل ها خوش داره که، می فامه که چقدر، دختر و بچه خوده می فامند و چی احتیاج دارن به یکدیگه شان. و به نظریه فامیل یکدیگه خوده می گیرن فامیلها. یکی بسیار د بین دو فامیل است از د بین دو فامیل زندگی نو. مثلاً از یکی از /کنمپلر (به انگلیسی می گوید)..  
شهرزاد: مثال

الکر: مثال های خوب است که شناسای ما دختره گرفتند، عاروسی کردند. به خاطریکه دختر میدانست که چی قسم.. کل کار خانه را می فامید و هم دستدوزی، هر کار هنره میدانست. دختر از هر کار گل بود و قواره مقبول نداشت. بسیار عادی چیز. به خاطر ازی که قواره بسیار مهم نیست به فامیل. و لیکن برای بچه..

شهرزاد: بسیار مهم است  
الکر: در نظریه خودمه، که دیدمشان. چقه بچه ها را دیدیم در افغانستان. که بسیار قواره و صورت بری از اونا مهم است. حداقل رفیق شان، دوستشان، دیگایشان کو نمی بینند روی زن شانه. با هم فکر می کنند زن مقبول مهم است بریشان. بری مردها

فریده: فکر می‌کنم بسیار دیک صورت بسیار مهم است که فامیل‌ها انتخاب می‌کنند. بخصوص د قریه‌ها، د قشلاق‌ها. به خاطر ازیکه دخترها بسیار هیچ، هیچ نمی‌فامند. مثلا اگه.. یک دختر.. بسیار ساده هستند. دخترها و بچه‌ها، هر دویشان ساده هستند. وقتی که د بیرون میبراینده، یک بچه مقبوله بینن، به قواره اونا بسیار بازی می‌خورن، وقتی که او را ببینن، فکر می‌کنن اونمو است دیگه، نمی‌فامن که ای بچه خوب است و چیزی را می‌فامه  
شهرزاد: اینه همی شاهزاده مه است دیگه  
فریده: یا که زندگی خوب داره، نداره.. هیچ بریشان مهم نیست. از ای خاطر فکر می‌کنم به قشلاق‌ها بسیار خوب است که فامیل‌ها انتخاب می‌کنن  
الکر: فکر می‌کنم به شهر هم به فامیل  
فریده: اما.. اما امیدوار هستم که د آینده ای ایقسم دوام نیافته، نیابه و فامیل‌ها زود، امیدوار هستم زودتر قشلاق‌ها و همه جای درس و تعلیم و مکتب بیابه و هر کس بتانه ایقدر به زودی فریب یک کس دیگه را نخوره و بتانه که هموقدر فامیده باشن و از خود،  
شهرزاد: منطقی انتخاب کنن  
فریده: منطقی انتخاب کنن. تا فامیل‌ها بریشان مجبور نباشه که انتخاب کنه.  
شهرزاد: ها  
فریده: خودشان بتانن بری خود زندگی خوده انتخاب کنن و زندگی خوده پیش ببرن.

### **English translation:**

Shaharzad: What percent of people choose their own husbands? For example, in your own family, did your sisters choose their partners themselves?

Ulker: No. All marriages are arranged; the same is true about my brothers. Both my brothers and my sisters, both are in arranged marriages.

Shaharzad: ...meaning that the weddings are contracted?

Ulker: They are decided. My family, they chose themselves, for two of my siblings my mom, and for two others my father chose himself. Most families...well, I think it is very rare to find a family where children decide for themselves. Very rare.

Shaharzad: What is the reason for this?

Ulker: Well, those rare families may live in Kabul or Mazar...mainly cities. Because the big reason behind this is that the girls who go to school or university, they see the guy. They get to know each other. They become friends, talk to each other and stuff. Then they convince their parents to marry them to each other. Some families are intellectual; of course, they agree. But in many villages and other cities, even though the families are open-minded in bigger cities, they can't do it, because they worry about what the extended family may think. They think about what the elder brother, father and grandfather might think after the marriage. Because in marriages, the choice has been made by parents, elder uncle, uncle, father and grandfather for a long time now. So it is

hard to prevent it now. Most families like to choose for their children and know how much the girl and the boy need each other. Families want you to listen to their opinions. The marriage is more about the two families that are already established more than being about the new family (the family that bride and groom will form). For example, one of the examples [uses the English word]...

Shaharзад: Example [uses the Dari word]...

Ulker: Here is one of the good examples. One of our friends married this girl to their son, because the girl knew how to...she knew all the house chores and also she could do embroidery. She had many arts. The girl was good in all work, but she wasn't pretty. She was very common. The family of the groom didn't care about the beauty or her figure, but for the groom ....

Shaharзад: It is very important.

Ulker: I think so from what I have seen, from the guys that I have seen in Afghanistan. The figure and the face are very important for them. Although their friends, others won't see their wife's face, still they care about having a pretty wife. It is important for men.

Farida: I think in one case it is significant for families to choose life partners for their children, especially in villages, the countryside. Because most of the girls there don't know anything, anything (about marriage). They are very simple-minded. Both girls and boys are simple. When they (girls) go out and see a handsome guy, they are manipulated because of his handsomeness. Once they see him, they think, "this guy should be my life partner." They don't consider if the guy is good, if he knows anything.

Shaharзад: They think, "This is my prince."

Farida: Yes, and they don't consider if the guy has a good life or not (meaning decent life, economically). That doesn't come to play. So I think it is good that families choose and decide about marriage in villages.

Ulker: I think even in cities some families do that.

Farida: Yes, but I hope that it won't continue like this in future. I hope soon in villages and everywhere there would be lessons, education and schools, so that one is not manipulated by the other's appearance and be wise enough to...

Shaharзад: ...choose wisely.

Farida: So that they can choose wisely; then families don't have to choose.

Shaharзад: Yes.

Farida: I hope they can choose their life partners for themselves and lead their own lives.

**About CultureTalk:** CultureTalk is produced by the Five College Center for the Study of World Languages and housed on the LangMedia Website. The project provides students of language and culture with samples of people talking about their lives in the languages they use everyday. The participants in CultureTalk interviews and discussions are of many different ages and walks of life. They are free to express themselves as they wish. The ideas and opinions presented here are those of the participants. Inclusion in CultureTalk does not represent endorsement of these ideas or opinions by the Five College Center for the Study of World Languages, Five Colleges, Incorporated, or any of its member institutions: Amherst College, Hampshire College, Mount Holyoke College, Smith College and the University of Massachusetts at Amherst.

© 2003-2009 Five College Center for the Study of World Languages and Five Colleges, Incorporated